

## بررسی سبک زندگی اسلامی درآموزه های دینی و معارف قرآنی

### رقيه معاون نوق

کارشناسی الهیات و معارف اسلامی (تاریخ و تمدن ملل)، دانشگاه فردوسی مشهد - ایران

Moaven-r@gmail.com

### چکیده

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن که اگر از منظر معارف دینی و معنویت به آن نگاه کنیم در می یابیم که اگرهدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئلهی اساسی و مهمی است. بنابراین سبک زندگی اسلامی مجموعه ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره ی یک فرد است که برگرفته از منابع اصیل دینی است به طوری که متجلی فقه و احکام هدایت بخش آن می باشد.

سبک زندگی اسلامی در تمام ابعاد آن چون عقیدتی و عبادی، علمی، اخلاقی، فردی، اجتماعی، خانوادگی، تجاری، زراعی، حقوقی، سیاسی، کیفری، معیشت و غیره متأثر از فقه و احکام دینی آن می باشد و رابطه ای تنگاتنگ با معارف اسلامی و دینی دارد به طوری که موجب پویایی، غنایی، تطور و بالندگی آن گردیده است. این تحقیق به روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است. برای نیل به این هدف بعد از مطالعه منابع دینی اصیل تاثیر ابواب مختلف دین و معارف قرآنی را بر سبک زندگی اسلامی مورد پژوهش و تحقیق قرار داده و سپس به بررسی سبک زندگی اسلامی از منظر معارف دینی و قرآنی پرداختیم و پژوهش خویش را به روش اسنادی و کتابخانه ای تنظیم نموده و به نتایجی دست یافتیم. یافته ها بیانگر آن است که توجه به معارف غنی دین و آموزه های قرآنی می تواند تاحد زیادی بر سبک زندگی اسلامی تاثیر گذاشته واز بسیاری از آسیب ها و ناملازمات اجتماعی جلوگیری کند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، رویکرد دینی، آیات قرآن، روایات ائمه معصومین(ع)

## مقدمه

در ادبیات اجتماعی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین ۱ ۱۹۹۵؛ چاپمن ۲ ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف گرایمی معنا می یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون ۳ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لاش و یوری ۴ ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روز افزایش می یابد (ابادری، ۱۳۸۱).

گیدنز (۱۳۸۲) سبک زندگی را مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره خود می داند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت گیری‌هاست و بر همین اساس از نوعی وحدت برخوردار است. بوردیو سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت می داند از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از سبک زندگی او می باشند (پالومتس ۵ ۱۹۹۸). فیدرستون (۱۹۹۱ به نقل از شهابی، ۱۳۸۶) بدن، لباس، نحوه صحبت کردن، فعالیت‌های فراغتی، ترجیحات خوراکی و نوشیدنی، خانه، اتومبیل، انتخاب مقصد گذران تعطیلات و نظایر این‌ها را شاخص‌های فردیت ذائقه و سبک مورد علاقه مصرف کننده می دانست.

وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت و (تامین، ۱۳۸۳). وبر در تحلیلی چند بعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می دانست که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی اند. وبر کارکرد دو گانه‌ای برای سبک زندگی قایل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می شود. به نظر او سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است (فاضلی، ۱۳۸۲).

یکی از آموزه‌های مشترک همه ادیان الهی این است که در متون دینی؛ از یک سو، سبک زندگی غیر الهی مذمت و تخطئه شده است و آسیب شناسی درخوری از سبک زندگی آنان، به عمل آمده است. این نکته، هم ناظر به ساحت فردی انسان‌ها و هم ناظر به ساحت جمعی آدمی است. برخی از آیات قرآن، وضع موجود انسان را مورد مذمت قرار می دهد. مانند سوره عصر، آیه ۲؛ احزاب، ۷۲؛ ابراهیم، ۳۴؛ علق، ۶؛ معارج، ۱۹ و ۲۰؛ اسراء، ۱۱، ۶۷ و ۱۰۰؛ حج، ۶۶؛ شوری، ۴۸؛ زخرف، ۱۵. و برخی دیگر از آیات قرآن، بخشی از ساحت جمعی انسان‌ها را مورد نکوهش قرار می دهد. مانند سوره عنکبوت، آیه ۲ و ۳؛ انفال، ۲۵؛ ابراهیم، ۴۲؛ اعراف، ۹۴ و ۹۵. از سوی دیگر، در برخی از آیات، سبک زندگی مورد تأیید اسلام نیز بیان شده است، تا انسان‌ها بدانند، سبک زندگی مطلوب اسلامی چیست و ویژگی‌ها و آثار آن چه می باشد و رسیدن به آن، ممکن است. غایت آموزه‌های دینی، رهایی از وضع موجود سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به «حیات طیبه» می باشد. از این رو، مبدأ نظام آفرینش را به گونه‌های مختلف بیان کرده و نیز مبدأ آفرینش خود انسان و پایان زندگی دنیوی او را ترسیم نموده و دو نوع سبک زندگی الهی و غیر الهی را بیان کرده و ویژگی‌ها و آثار هر دو را به شکل واضح آشکار می سازد. شاید سبک زندگی آنقدر به روینا و ظواهر زندگی انسان‌ها می پردازد که اغلب معتقد نیستیم یا حتی فراموش می کنیم که دارای لایه‌های عمیق تر تئوریک نیز هست. غفلت از مبانی، خود را در استفاده از روش‌هایی

1- Chapin

2- Chapman

3- Feathrston

4- Lash &amp; Urry

5- Palumets

نشان می دهد که یا سکولاریسم پنهان است یا تقلید. علت هر دو این ها هم سطحی نگری است. گروه اول بر این خیال هستند که اسلام را در عصر جدید، نونوار می کنند و گروه دوم ناخواسته دین را قربانی سبک زندگی غربی می کنند (وزارتی، ۱۳۹۱)

### بیان مسأله تحقیق

سبک زندگی یا همان چگونگی زیستن از مفاهیمی است که برای تبیین آن باید بسیار دقت نمود چرا که موضوعی حساس و در ارتباط با حیات فردی و اجتماعی انسان میباشد و نشان دهنده مسیر انسان برای حرکت فردی و اجتماعی است. می توان سبک زندگی را الگویی دانست که انسانها در ابعاد فردی و جمعی با رعایت آن به سمت رسیدن به سعادت خود حرکت می کنند. در منابع اسلامی (قرآن - حدیث)، ما با سیل عظیمی از مطالب جزئی و کلی که همگی در ارتباط با زندگی انسان است روبرو می باشیم. دین اسلام علاوه بر تشویق انسان برای رسیدن به حیات طیبه نقشه جامعی را نیز در برابر هر انسان آزاده ای قرار می دهد. بنابراین چنان که می دانید در اسلام اهمیت مساله ی سبک زندگی بر کسی پوشیده نیست بطوری که از ضروریات اسلام می باشد. سبک زندگی داشتن، لازمه ایمان و اعتقادات ماست. سبک زندگی یکی از بهترین دعوت کننده ها است به دین، از این رو ما برآنیم که به تبیین این نوع سبک زندگی در اسلام بپردازیم.

### اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

زندگی ترکیبی است از عوامل مختلف که یک فضای ناهمگون را در زندگی ما ایجاد کرده است. در حالی که شرط اول در داشتن سبک زندگی اسلامی، این است که اجزاء و عناصر تشکیل دهنده زندگی فردی و اجتماعی ما، هم ساز باشند. همین که هم ساز نباشد، نشان دهنده این است که ما سبک خاصی برای زندگی نداریم. براساس منابع دینی و پایگاه اعتقادی ما، باید میوه باورها و عقاید مان در چگونگی زندگی مان تبلور پیدا کند. در روایات زیادی به ما توصیه شده که: «کونوا دعاء الناس بغیر السننکم». آنچه که باعث شد بسیاری از افراد در عصر اول به اسلام گرایش پیدا کنند، نوع زندگی و سلوکی بود که می دیدند و می پسندیدند و جذب آن نوع زندگی شدند. آنچه که می تواند بسیار به عنوان تبلیغ بی زبان و دعوت به غیر سخن گفتن در مردم اثر بگذارد و مردم را به دین، به تشیع و حتی به فرهنگ خاص ما ایرانی ها جذب کند و نگاه دینی و نگاه ملی ما با آن همساز باشد، ضرورت اصلاح سبک زندگی مبتنی بر دین مقدس اسلام است.

### مفهوم سبک زندگی اسلامی

عنوان سبک زندگی از سه دهه پیش وارد ادبیات آمریکا شده و سیاستگذاران آمریکایی تلاش دارند تا با معرفی سبک زندگی آمریکایی، الگویی برای انتقال اهداف مختلف خود به شیوه غیرسیاسی به دنیا ارائه کنند. مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، به مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط های مختلف، اشاره دارد و در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهند. متأسفانه ما در بخش سبک زندگی حقیقی، پیشرفت چشمگیری نداشته و مثل بخش اول یعنی علم و صنعت و نظائر آن پیشرفت نکرده ایم. فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به همراه می آورد (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱، ۲). این پژوهش نیز بر اساس اهمیت سبک زندگی از منظر فقه و همچنین نیاز شدید کشورهای در حال توسعه و به خصوص کشور ایران به دلیل گرفتار شدن در سبک های زندگی انحرافی و مشکلات عدیده ناشی از آن با استفاده از روشی تحلیلی-توصیفی و بهره گیری از منابع مکتوب و غیر مکتوب و تفاسیری در این زمینه به جایگاه سبک زندگی اسلامی با رویکرد دینی پرداخته شده است.

### سبک زندگی از نظر مقام معظم رهبری :

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوهی زیستن - اینها عبارۀ اخراعی یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار

از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. درباره‌ی اینکه در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت بحث کنیم، چه می‌توان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است. ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات - در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب‌العشره»؛ آن کتاب‌العشره درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول راه، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی راه، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. بنابراین، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمیتوان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار میدهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند.

پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی وهمان سبک زندگی است.<sup>۱</sup> نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. نه اینکه ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم - این حرف، ناشی از بررسی است - ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی به مجرد اینکه اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه‌ی غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل می‌کنند بر غرب‌ستیزی. تقلید از غرب برای کورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کورهای که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند. هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین بردند. در شبه‌قاره‌ی هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عمده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رائج کردند. شبه‌قاره‌ی هند که یکی از کانونهای زبان فارسی بوده، امروز در آنجا زبان فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف زدن غالب نخبگان با انگلیسی است - باید انگلیسی حرف بزنند - این تحمیل شده. در همه‌ی کورهای که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آنجا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است. غربی‌ها تا آنجائی که توانستند، بنیانهای فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت یک عده از بزرگان، انگلیس‌ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد ۱۲۹۹، یعنی ۱۹۱۹ میلادی - که معروف به قرارداد وثوق‌الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرس و بعضی از آزادیخواهان دیگر مواجه نمیشد و این قرارداد عملیاتی میشد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما آنها به وسیله‌ی عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته‌ی به غرب در کنار او فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه‌ی فرهنگی داشتند، اینها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هرچه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله‌ی کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زدودن حضور روحانیون از کشور بود، و مقولات فراوان دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال می‌شد. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی میکند؛ هویت ملتها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهنها را، فکرها را مادی می‌کند، مادی پرورش می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمانهای بلند، آرمانهای معنوی و تعالی روحی از ذهنها زدوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگِ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا میرسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر. فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلودِ گناه‌آلودِ هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است.

ما از علم ترویج می‌کنیم، از صنعت ترویج می‌کنیم، از اختراع و نوآوری ترویج می‌کنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم می‌نشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است. باید در این بخش، ما پیش برویم؛ باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی می‌خواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت.<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی در معارف دینی

برای دریافت بهتر مفهوم سبک زندگی ویژگی‌های آن را بر می‌شماریم: نخست: سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است. رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی مصرح و آگاهانه یا غیرمصرح و نیمه خودآگاه در فلسفهٔ حیات است. اینکه شخص زندگی خاصی را آرزو می‌کند یا زندگی خاصی را به مسخره می‌گیرد و به شدت نقد می‌کند، می‌گوید «زندگی یعنی این!»، «خوش به حال فلانی!» نشان دهندهٔ نظام ارزشی او است و در انتخاب سبک زندگی بسیار تأثیرگذار است. سبک زندگی را نمی‌توان از باورها و ارزش‌ها بریده دانست. ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است.

دوم: مجموعهٔ عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب انسجام و همبستگی رسیده و همخوانی و تناسب داشته باشند. مجموعه‌ای در هم از چندین نوع منطق و مدل، سبک زندگی نیست. مثلاً نظام ارتباطی باید با نظام معیشتی، نظام اعتقادی، نظام فرهنگی و نظام مصرف تناسب داشته باشد. این تناسب باید مقداری پایدار بماند. انسجام موقتی که تحت تأثیر جو اجتماعی خیلی زود از بین رود سبک زندگی را پدید نمی‌آورد. مثلاً نوجوانی که هنوز شاکلهٔ هویت فکری، فرهنگی، اجتماعی‌اش کامل نشده و به درستی شکل نگرفته و رفتارهای متنوعی دارد، دارای سبک زندگی نمی‌باشد. آسوم: در پدید آمدن سبک زندگی اکثر عناصر، اختیاری است. اگر فردی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و تحت فشار بیرونی، مجبور به رفتار بر اساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد. سبک زندگی باید انتخاب شود و شخص فعالانه در تعریف و چینش و معماری آن بر اساس نظام اعتقادی و ارزش‌های مشارکت داشته باشد. البته رسانه‌ها دائماً تصویرهای جدید سبک زندگی را منتشر می‌کنند و ذهن‌ها و دل‌ها را برای انتخاب آن برمی‌انگیزند.

بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در تبیین سبک زندگی در استان خراسان شمالی - ۱۹۱/۷/۲۳

- ر.ک: اندی بنت، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، ص ۹۷، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶ش ۲

چهارم: سبک زندگی قابل ایجاد و قابل تغییر است؛ زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است. نوعی طراحی است که می‌توان آن را نقد کرد و می‌توان آن را در انداخت. گرچه شرایط اجتماعی ممکن است تغییر و تحول در سبک زندگی را بسیار دشوار گرداند. (همان)

پنجم: جز در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است، نمی‌توان انسانی را بدون آداب یا سبک زندگی تصور کرد. در حقیقت، هیچ کس بی‌ادب نیست؛ همان‌گونه که بی‌تربیت، بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت نیست؛ حتی اگر انسان تحت تأدیب صحیح قرار نگیرد بی‌ادب نمی‌شود؛ بد ادب، بد تربیت و بد شخصیت می‌شود. ما اگر شکل خاصی از زندگی را با اراده و اختیار خود انتخاب نکنیم ناخودآگاه در قالب‌های تعیین یافته محیط و جامعه قرار می‌گیریم. بنابراین چه خوب است که آگاهانه و از سر اختیار صورت زندگی خود را تعیین کنیم و اجازه ندهیم شرایط محیطی رنگ شخصیت ما را عوض کند.

ششم: سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می‌شود. پدیدارشناسان فرهنگی تاکید می‌کنند که سبک زندگی برای افراد شخصیت می‌سازد؛ یعنی فرد کلاس هویتی خود را با نوع ارتباطات، نوع شغل، سبب مصرفی و سایر ظواهر انتخابی خود، معرفی می‌کند. از سوی دیگر، فرد بر اساس سبک زندگی (یعنی چیزی که می‌خورد و می‌پوشد، جایی که زندگی می‌کند، ماشینی که سوار می‌شود و کسانی که حشر و نشر دارد و...) آرام آرام به رفتارهایی عادت می‌کند و از درون شکل می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود که نظام ارزشی خاصی نیز برایش درونی شود. (همان)

تجزیه و تحلیل ما هم از شخصیت و هویت دیگران تا اندازه‌ای به همین ظواهر وابسته است. برای قضاوت درباره یک فرد معمولاً اگر پاسخ این سوال‌ها را بدانیم برچسبی نسبتاً مطمئن بر او می‌زنیم: «چه کاره‌ای؟ چقدر درآمد داری؟ ماشین و وسایل زندگی‌ات چگونه است؟ کدام محله زندگی می‌کنی؟ محل آمد و شد تو بیشتر کجا است؟ باشگاه؟ هیئت؟ کدام رستوران‌ها؟ و ...» به این ترتیب موضع‌گیری‌ها، رفتارها و قضاوت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دیگران برای ما قابل پیش‌بینی خواهد شد. «از کوزه برون همان تراود که در اوست.» (ر.ک: فرهنگ و زندگی روزمره، اندی بنت، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، ص ۹۷)

هفتم: در سطح کلان اجتماعی، سبک زندگی همگرایی و واگرایی پدید می‌آورد. کسانی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند آرام آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علاقه‌هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد. بی‌گمان در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی بارویکرددینی بسیاری از مضامین و متون دینی و آیات قرآن و روایات ائمه معصومین تأثیرگذار هستند. این میان اقبال پیش‌تاز جامعه مانند عالمان، اساتید برجسته دانشگاه، حاکمان و بزرگان، نخبگان علمی و فرهنگی و ورزشی و هنری در شکل‌دهی به سبک زندگی بسیار مؤثرند. البته میزان دریافت و ضریب تأثیرگذاری هر یک از این گروه‌ها متفاوت است. همچنین در یک مقیاس وسیع‌تر سبک زندگی توده جامعه ما به شدت تحت تأثیر رسانه‌های تصویری است. در دنیای مدرن، رسانه‌ها ارتباط فراوانی با زندگی پیدا کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که تقریباً در سراسر دنیا پس از «خواب» و «کار برای تأمین معاش» استفاده از رسانه‌ها سومین کاری است که بشر انجام می‌دهد و مصرف رسانه‌ای از محوری‌ترین عناصر زندگی شده است. به همین دلیل، نقش رسانه‌ها در ترویج سبک زندگی غربی در دنیای کنونی و تخریب و تضعیف باورها و ارزش‌های اسلامی نقشی بسیار جدی است. تا جایی که برخی معتقدند در حال حاضر یک جنگ جهانی رسانه‌ای علیه اسلام و جمهوری اسلامی در حال انجام است. شبکه‌های مختلف تلویزیونی و ماهواره‌ای و اینترنتی روزانه هزاران ساعت برنامه‌های مختلف تصویری در جهت تقویت سبک زندگی غربی و تخریب فرهنگ‌های رقیب پخش می‌کنند. رسانه‌های غربی می‌کوشند که کعبه آمال و آرزوها را زندگی غربی معرفی کنند. به همین دلیل هیچ‌گاه ضعف‌ها و سستی‌ها و نقاط منفی آن را منعکس نمی‌کنند. زیرا به خوبی می‌دانند که اگر برای یک مسلمان متدین پرده آخر زندگی غربی نمایش داده شود از آن سخت متنفر می‌گردد و هرگز آن را نمی‌پذیرد، اما به صورت تدریجی و خزنده عناصر سبک زندگی فرنگی یک به یک و قدم به قدم از طریق ماهواره، اینترنت، تلویزیون، کتاب، مدل لباس، معماری، مصرف و... وارد می‌شود و حساسیت یا مقاومتی بر نمی‌انگیزد! تن دادن به الگوی زندگی غربی

در واقع تن زدن از شریعت اسلامی است. این اتفاق به سهولت و تا حدی بدون حساسیت در جامعه ما در حال صورت گرفتن است. یکی از ریشه‌های آن ناآشنایی با الگوی زندگی دینی و اسلامی است که با استفاده از رسانه‌های تصویری می‌توان مضامین دینی رادرسبک زندگی پررنگ تر نمود و باتاسی از متون دینی سبک زندگی اسلامی بارویکرد دینی رادرجامعه و در تقابل با فرهنگ و سبک زندگی غربی در جامعه نهادینه کرد.

### نتیجه گیری

تحول در سبک زندگی حرکت به سمت مهندسی زندگی و ویرایش در لایه ظاهر آن است که نخست به صورت فعال‌سازی برخی حوزه‌ها و غیرفعال‌سازی برخی دیگر انجام می‌گیرد. مثلاً در برنامه یک انسان مؤمن برخی برنامه‌های عبادی مانند تلاوت روزانه قرآن کریم فعال، و اموری مانند لغو و سرگرمی‌های بی‌پهلو غیرفعال می‌شود. به عنوان نمونه در این بخش دستور برخی از فعالیت‌های جاری مؤمنانه را از کلام بزرگان دین بیان می‌داریم. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «وای بر مسلمانی که در هر هفته (دست کم) یک روز را برای فهم امور دینی و پرسش از آن نکوشد». (همان، ص ۲۲۵).

از سفارش‌های امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام): «فرزندم! مؤمن در فعالیت‌های خود باید سه زمان را قرار دهد؛ زمانی که در آن با خدا مناجات کند، زمانی که در آن به حساب‌کشی از نفس پردازد و زمانی که آن را برای لذت‌های حلال و آراستگی خود خالی سازد. و مؤمن را گریزی نیست که در سه کار حضور داشته باشد: اصلاح امور معاش، گام برداشتن برای آخرت یا لذت‌های حلال»<sup>۱</sup>.

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: کاش تازیانه بر سر اصحاب من می‌بود که در فهم عمیق حلال و حرام می‌کوشیدند. امام خمینی نیز در تنظیم برنامه عبادی چنین فرموده‌اند: و آنچه باعث حضور قلب شود دو امر است: یکی فراغت وقت و قلب، و دیگر فهماندن به قلب اهمیت عبادت را؛ و مقصود از فراغت وقت آن است که انسان در هر شبانه روزی برای عبادت خود وقتی را معین کند که در آن وقت خود را موظف بداند فقط به عبادت، و اشتغال دیگری را برای خود در آن وقت قرار ندهد. انسان اگر بفهمد که عبادت یکی از امور مهمه‌ای است که از کارهای دیگر اهمیتش بیشتر؛ بلکه طرف نسبت با آنها نیست، البته اوقات آن را حفظ می‌کند و برای آن وقتی موظف می‌کند. ... در هر حال، انسان متعبد باید اوقات عبادتش موظف باشد. البته اوقات نماز را، که مهم‌ترین عبادات است، باید حفظ کند و آنها را در اوقات فضیلت به جا آورد، و در آن اوقات برای خود شغل دیگری قرار ندهد. و همان طور که برای کسب مال و منال و برای مباحثه و مطالعه، وقت موظف قرار می‌دهد، برای این عبادات نیز قرار دهد که در آن وقت فارغ از امور دیگر باشد تا حضور قلب، که مغز و لبّ عبادات است، برای او میسر باشد<sup>۲</sup> بنابراین برای دست یافتن به سبک زندگی اسلامی بارویکرد دینی می‌بایست ابتدادرظواهر زندگی آزمیزه‌ها و دستورات دینی بهره گرفت و سپس متن زندگی و سبک زندگی را بر آن استوار ساخت.

### پیشنهادهات:

باتوجه به یافته‌های این تحقیق پیشنهادهات ذیل می‌تواند برنهادینه کردن سبک زندگی اسلامی بارویکرد دینی در جامعه منجرشود.

۱- باتوجه به تهاجم فرهنگی غرب و گسترش روزافزون سبک‌های زندگی غربی، در جامعه‌ی اسلامی باید سبک زندگی اسلامی باتوجه به آموزه‌های دینی عقلاً برای عامه‌ی مردم، به عنوان یک تکلیف شرعی باشد تا بتوان به نهادینه کردن اینگونه سبک زندگی در جامعه کمک کرد.

۱- شیخ طوسی، الامالی، قم، دار الثقافة، بی‌جایی تا، ص ۱۴۷، ۱۴۱۴.ق.

۲- خالد برقی، احمدین محمد بن، المحاسن، تصحیح جلال‌الدین محمد، قم، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۲۹، ۱۳۷۱.ش.

۳- امام خمینی، سیدروح ...، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۴۲۷، ۱۳۷۵.ش.



۲- درترویج سبک زندگی اسلامی با رویکرد دینی حکومت و رسانه هانقش بسیار مهمی رامی توانند ایفاکنند، بنابراین بهتر است که این تکلیف از طریق حکومت تقویت شود.

۴- پیشنهاد می گردد مسوولان و نهادهای فرهنگی از سبک های زندگی غربی که مبتنی برآموزه های ماده پرستی است و مانع گسترش سبک زندگی اسلامی با رویکرد دینی در جامعه می شود جلوگیری شود.

۵- پیشنهاد می شود که جامعه اسلامی باتوجه به اهمیت آموزه های دینی در کیفیت بخشیدن به سبک زندگی استفاده از این آموزه هارادرنزدگی سرلوحه خود قراردهیم وابتدا از شخص خودمان و مرتبه ی بعدی از خانه ی خود و در مرتبه ی سوم از اطرافیان شروع کنیم و در بین اجتماع توسعه دهیم.

۶- پیشنهاد می شود باتوجه به تاکیدات موکدمقام معظم رهبری(دام عزّه) همه آحاد تاثیر گذار برسبک زندگی تلاش کنیم که احکام ناب اسلامی و دینی در سایه ی حفظ ارزش های اسلامی که مهم ترین خواسته ی الهی، انبیا و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهمالسلام) می باشد درسبک زندگی پیاده و اجرایی شود تا انشاء الله سبک زندگی اسلامی مبتنی بر رویکرد دینی در همه بخش های جامعه محقق شود. انشاء...  
**منابع و مأخذ**

۱. قرآن مجید (با ترجمه ی حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی)
۲. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، در یک جلد، قم: مؤسسه نهج البلاغه، اول، ۱۴۱۴ ه ق.
۳. سید رضی، محمد، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، تهران، دنیای دانش، ۱۳۶۳ ش.
۵. علی ابن الحسین (علیه السلام) صحیفه سجاده، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶ ش.
۱. شیخ صدوق، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۲. ابن ابی عقیل عمانی. حسن بن علی. مجموعه فتاوی ابن ابی عقیل. (یک جلدی). چاپ اول. قم: [بی نا]. [بی تا].
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۳۸۷ ق.
۴. ابن بابویه. محمد بن علی. المقنع. (یک جلدی). چاپ اول. قم: موسسه امام هادی علیه السلام. ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
۶. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، مجموعه فتاوی ابن جنید. (یک جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۶ ه ق.
۷. ابوالصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین. الکافی فی الفقه. (یک جلدی). چاپ اول. اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین علی علیه السلام. ۱۴۰۳ ه ق.
۸. احسائی. محمد بن علی. عوالی اللئالی العزیزیه. (۴ جلدی). چاپ اول. قم: دار سید الشهداء للنشر. ۱۴۰۵ ق.
۹. الامام الخمینی. سید روح الله. تحریر الوسیله. با ترجمه: علی اسلامی. (۴ جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۳۶۶ ش.
۱۰. الامام الخمینی. سید روح الله. تحریر الوسیله. (۲ جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه ی مطبوعات دار العلم. {بی تا}.
۱۱. الانصاری. مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات. (۳ جلدی). چاپ اول. قم: منشورات دارالذخائر. ۱۴۱۱ ه ق.
۱۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ ه ق.

۱۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مکه مکرمه، مکتبۃ النهضة الحديثة، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. جعفری تبریزی. محمد تقی شرح نهج البلاغه (۲۷ جلدی) تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۴۱۸ ش.
۱۸. حرّ العاملی. محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. (۳۰ جلدی). چاپ اول. م: موسسه آل البيت علیهم السلام. ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۹. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۲۰. حلوانی، حسین بن محمد بن حسن بن نصر نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، قم، مدرسه الامام المهدي، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۲۱. حلی، ابن فهد، التحصين فی صفات العارفين، قم، مدرسه امام مهدي، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۲۲. خالد برقی، احمد بن محمد بن، المحاسن، تصحیح جلال الدین محمد، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. خویی. سید ابوالقاسم. منهاج الصالحين. (دو جلدی). چاپ بیست و هشتم. قم: نشریه مدينه العلم. ۱۴۱۰ ق.
۲۴. دیلمی، حسن بن احمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۲۵. دیلمی، حسن بن محمد ارشاد القلوب الی الصواب، قم، للنشر الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۲۶. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل تهران، آفتاب، بی تا.
۲۷. الشعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۲۸. شهید اول. محمد بن مکی. اللمعة دمشقیة فی فقه الامامیة. (یک جلدی). چاپ اول. بیروت: دار التراث- الدار الاسلامیة. ۱۴۱۰ ق.
۲۹. شهید اول. محمد بن مکی. غایة المراد فی شرح نکت الارشاد. (۴ جلدی). با تصحیح رضا مختاری. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۴۱۴ ق.
۳۰. شهید ثانی. زین الدین بن علی. مسالك الافهام إلی تنقیح شرائع الاسلام. (۱۵ جلدی). چاپ اول. قم: موسسه معارف الاسلامیه. ۱۴۱۳ ق.
۳۱. شهید ثانی. زین الدین بن علی. الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیة. (۲ جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. ۱۴۱۲ ق.
۳۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، كشف الريبه، بی جا، دار المرتضوی، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. شیخ صدوق، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳۴. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۳۵. شیخ صدوق، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳۶. شیخ صدوق، علل الشرايع، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.
۳۷. شیخ طوسی، الامالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۳۸. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ ش.
۳۹. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۴۰. طبرسی، فضل بن حسن، رسولى محلاتی، هاشم، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۴۱. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۴۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۴۳. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

۴۴. طوسی. محمد بن حسن. المبسوط فی فقه الامامیه (۸جلدی). چاپ سوم. تهران: المكتبةالمرتضویه لإحياءالأثار الجعفریة. ۱۳۸۷ هـ ق.
۴۵. طوسی. محمد بن حسن. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. (یک جلدی). چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۰ق.
۴۶. عاملی ، شیخ حر ، وسائل الشیعه ، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹هـ.ق.
۴۷. عزالدین، ابن اثیر ، اسد الغابة فی معرفة الصحابة ، بی جا، المكتبة الاسلامیة، بی تا.
۴۸. العکبری البغدادی ، محمد بن محمد بن نعمان ، امالی؛ ترجمه حسین استاد ولی، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۴۹. علامه حلی. حسن بن یوسف. إرشاد الأذهان الی احکام الايمان.(۲جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۰ق.
۵۰. علامه حلی. حسن بن یوسف. تبصرة المتعلمین فی احکام الدین. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۴۱۱ق.
۵۱. علامه حلی. حسن بن یوسف. تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه.(شش جلدی). با تصحیح: ابراهیم بهادری. چاپ اول. قم: موسسه امام صادق(علیه السلام). ۱۴۲۰ق.
۵۲. علامه حلی. حسن بن یوسف. قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام. (سه جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۱۳هـ ق.
۵۳. فاضل جواد. جواد بن سعید. مسالك الافهام الی آیات الاحکام.(چهارجلدی).قم: نوید اسلام. ۱۳۸۷ش.
۵۴. فیض کاشانی. محمد محسن. الوافی. (۲۶جلدی). چاپ اول. اصفهان: کتابخانه امیرالمومنین علی علیه السلام. ۱۴۰۶هـ ق.
۵۵. فیض کاشانی ، محسن ، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء ، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۵۶. فیض کاشانی ، ملامحسن ، الوافی ، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین، ۱۴۰۶هـ.ق.
۵۷. قاضی طرابلسی، ابن براج، المهذب.(۲جلدی). چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ۱۴۰۶هـ.ق.
۵۸. قمی ، شیخ عباس ، سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار ، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶هـ.ق.
۵۹. کلینی. محمد بن یعقوب. الکافی. (۸ جلدی). با تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۴۰۷هـ ق.
۶۰. کلینی ، محمد بن یعقوب ، الکافی ، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۲ش.
۶۱. کوفی اهوازی ، حسین بن سعید ، المؤمن ، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۴هـ.ق.
۶۲. لیثی واسطی ، علی بن محمد ، حسنی بیرجندی، حسین ، عیون الحکم و المواعظ ، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ش.
۶۳. مازندرانی ، محمد بن علی ابن شهر آشوب ، مناقب آل ابيطالب علیهم السلام ، قم، علامه، ۱۳۷۹ش.
۶۴. المجازات النبویة، شریف رضی، تصحیح مهدی هوشمند، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰ش.
۶۵. مجلسی ، محمدباقر، بحار الانوار ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ.ق.
۶۶. محقق حلی. جعفر بن حسن. الرسائل التسع.(یک جلدی). چاپ اول. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی(ره). ۱۴۱۳ق.
۶۷. محقق حلی. جعفر بن حسن. المختصر النافع فی فقه الامامیه.(دو جلدی). چاپ ششم. قم: موسسه المطبوعات الدینیة. ۱۴۱۸ هـ ق.
۶۸. محقق حلی. جعفر بن حسن. شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. (۴جلدی). چاپ دوم. قم: موسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۸ق.

۶۹. محقق کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد فی شرح القواعد. (۱۳ جلدی - جلد ۹). چاپ دوم. قم: موسسه آل البيت عليهم السلام. ۱۴۱۴ق.
۷۰. مشکینی، علی، تحریر المواعظ العدديه، قم، الهادی، هشتم، ۱۴۲۴ه.ق.
۷۱. مصطفوی، حسن، التحقیق لکلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۷۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه. (یک جلدی). چاپ اول. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید. ۱۴۱۳ق.
۷۳. المکی، ابی طالب، قوت القلوب فی معامله المحبوب، بیروت، دار صادر، تحقیق سعید نسیب مکارم، الثالثة، ۲۰۰۷م.
۷۴. نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. (۴۳ جلدی - جلد ۵). چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۴ق.
۷۵. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۶. النجفی، هادی، موسوعه احادیث اهل البيت، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ه.ق.
۷۷. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعة النجف، الثالثة، ۱۳۸۳ش.
۷۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸ه.ق.
۷۹. هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان، کشف المحجوب، تصحیح محمود عابدی، تهران: سروش، سوم، ۱۳۸۶ش.
۸۰. الهندی، علاءالدین المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ه.ق.
- ب) منابع فارسی**
۱. اردستانی، محمد، فقه و سبک زندگی، ص ۵۶، بی جا، بی تا، ۱۳۹۱
۲. -----، الفقه المنسوب الی الامام الرضا، مشهد، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۶ه.ق.
۳. -----، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، آبان ۱۳۹۰ش.
۴. -----، ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه، بهمن ۱۳۸۹ش.
۵. احمد پناهی، علی و حسینی، داوود، با دخترم (ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان)، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۶. اسفندیاری، محمد، بعد اجتماعی اسلام، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵ش.
۷. امام خمینی، سیدروح ...، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ش.
۸. امام خمینی، سیدروح ...، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ش.
۹. اندی بنت، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلی جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶ش.
۱۰. ایزدپناه. عبدالرضا و دیگران. مجله فقه اهل بیت عليهم السلام. (۵۶ جلدی - جلد ۵). چاپ اول. قم: موسسه دائرة الكتاب فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام. [بی تا].
۱۱. آزاد ارمکی، تقی، مطالعه تغییرات فرهنگی در شهر تهران. موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران. تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ش.
۱۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰ش.
۱۳. بیبی، ارل، روش های تحقیق در علوم اجتماعی؛ ترجمه رضا فاضل. جلد اول. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵ش.
۱۴. بشیری زنجانی. سید موسی، کتاب نکاح (۲۵ جلدی). چاپ اول. قم: موسسه پژوهشی رای پرداز. ۱۴۱۹ه.ق.
۱۵. بشیریه، حسین، نظریه های فرهنگ در قرن بیستم، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان، ۱۳۸۵ش.
۱۶. بلخی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تهران، نگاه، پنجم، ۱۳۷۳ش.
۱۷. بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، ۸۲/۷/۲، سخنرانی موجود در سایت.

۱۸. بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، ۹۱/۷/۲۳، سخنرانی موجود در سایت.
۱۹. پور حسن، علی، الگوی سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. پین، مایکل، فرهنگ اندیشه انتقادی؛ ترجمه پیام یزدانجو. تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. تافلر، آلوی، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۴ ش.
۲۲. ثابتی، پروین و انوار، خلیل، اندیشه نو در پرورش جوانان، تهران: انتشارات سازمان فعالیت جوانان ایران، ۱۳۳۹ ه.ق.
۲۳. جناتی، محمد ابراهیم. ادوار فقه و کیفیت بیان آن. (یک جلدی). بی جا. بی تا.
۲۴. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم، رجا، ۱۳۷۲ ش.
۲۵. جوادی آملی، عبدالله، انسان در اسلام، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله، جامعه در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۲۸. چلبی، مسعود، جامعه شناسی نظم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵ ش.
۲۹. حسن پور، محمد، سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، ۱۳۹۱ ش.
۳۰. حسینی، سید ابوالقاسم، سبک و روش زندگی استاندارد و نقش آن در تامین سلامت بدنی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۸ ش.
۳۱. خبرگزاری فارس، سازمان های مسئول برای مطالبه رهبری در زمینه «سبک زندگی»، مهرماه، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. دوروتیه، ژان فرانسوا، بوردیو، نامه انسان شناسی، شماره ۱، دانشکده علوم اجتماعی تهران، ۱۳۸۱ ش.
۳۳. رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۳۴. رفیع پور، فرامرز، کندوکاوها و پنداشته ها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰ ش.
۳۵. رهبر معظم انقلاب، "سبک زندگی" بخش اساسی پیشرفت و تمدن سازی نوین اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، ۲۳ مهرماه، ۱۳۹۱ ش.
۳۶. رهبر معظم انقلاب، ۲۰ پرسش رهبری درباره سبک زندگی، روزنامه جام جم، سال سیزدهم، شماره ۳۵۳۳، مهرماه، ۱۳۹۱ ش.
۳۷. زاده محمدی، علی، دیدگاه‌های نوین در ردیف موسیقی ایرانی. تهران: نشر سرو، ۱۳۷۹ ش.
۳۸. سایت اینترنتی [www.roozna.com](http://www.roozna.com).
۳۹. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، نشر طلوع، هفتم، ۱۳۷۱ ش.
۴۰. سنائی غزنوی، محمد، دیوان اشعار، بی جا، بی تا.
۴۱. شکوری، علی، تمایزپذیری و هویت اجتماعی مبتنی بر مصرف، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. شهبابی، محمد، سبک های زندگی جهان وطنانه در میان جوانان ایرانی و دلالت های سیاسی آن، مجموعه مقالات، تهران: نشر پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶ ش.
۴۳. علیزاده، مهدی و دیگران، اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹ ش.
۴۴. فاضلی، محمد، جامعه شناسی مصرف. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، نشر صبح صادق. چاپ اول (بی-جا)، ۱۳۸۲ ش.
۴۶. فتحعلی خانی، محمد، آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۴۷. فقیهی، علینقی، تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹ ه.ق.
۴۸. فیشر، ارنست، ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی. ترجمه فیروز شیروانلو. تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۸ ش.
۴۹. قربانی، زین العابدین، الگوی سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱ ش.

۵۰. کوزر، لوپس، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی، ۱۳۸۰ش.
۵۱. گلستانی، مجتبی، سبک زندگی اسلامی، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) / کد خبر ۸۰۴۵۲۴۰، ۱۳۹۱ش
۵۲. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶ش.
۵۳. مجلسی اول. محمدتقی. یک دوره فقه کامل فارسی. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: موسسه انتشارات فراهانی. ۱۴۰۰هـ. ق.
۵۴. مصباح، علی و دیگران، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۷۴ش.
۵۵. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴ش.
۵۶. مصباح یزدی، محمدتقی، انسان‌شناسی در قرآن، تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸ش.
۵۷. مصباح یزدی، محمدتقی، پندهای امام صادق به ره جویان صادق، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱ش.
۵۸. مصباح یزدی، محمدتقی، بزرگ‌ترین فریضه، تحقیق و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
۵۹. مصباح یزدی، محمدتقی، پند جاوید، نگارش علی زینتی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹ش.
۶۰. مطهری، مرتضی، ده گفتار، تهران، صدرا، ششم، ۱۳۶۹ش.
۶۱. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، صدرا، ۱۳۷۵ش.
۶۲. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، شانزدهم، ۱۳۶۸ش.
۶۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)، تهران، صدرا، بی تا.
۶۴. منتظری. حسین علی. احکام پزشکی. (یک جلدی). چاپ سوم. قم: نشر سایه. ۱۴۲۷هـ. ق.
۶۵. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷ش.
۶۶. میبیدی، حسین بن معین‌الدین، دیوان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، تصحیح مصطفی زمانی، قم، دار نداء الاسلام، بی تا.
۶۷. نایبی، هوشنگ، قشریندی اجتماعی برحسب پرستیژ شغلی، پایان نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ش.
۶۸. نصری، عبدالله، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۲ش.
۶۹. وبلن، تورستین، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ش.
۷۰. ورسلی، پتر، جامعه‌شناسی مدرن، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش، ۱۳۷۳ش.
۷۱. وزارت، محمدحسین، «سبک زندگی»، طرح دوباره یک دغدغه دیرین، روزنامه پرتو، قسمت فرهنگی-اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۶۵۰، ۱۱۰ آبان، ۱۳۹۱ش.
۷۲. هانتینگتون، ساموئل پی.، برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۷۳. یعقوبی، یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار الصادق، بی تا.
۷۴. هدفیلد، روانشناسی و اخلاق، ترجمه علی پریور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سوم، ۱۳۷۴ش.

#### ب) پایان نامه ها:

۱. اناری، طاهره سادات، روش تربیتی تغییر موقعیت در قرآن کریم، قم، دانشگاه پیام نور، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰ش.
۲. فیروزآبادی، سیداحمد، عوامل اجتماعی موثر بر سرمایه اجتماعی، رساله دکتری جامعه‌شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
۳. قربانزاده، سکینه، مطالعه رابطه بین سبک زندگی و رفتار رانندگی در بین جوانان، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۷ش.

۱. اسلامی، سید حسن، «امر به معروف و نهی ازمنکر» در دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲. برژینسکی، زببگینو، «برج و باروی سست‌بنیان غرب بوالهوس» در نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، ۱۳۷۴ش.
۳. ثابت‌قدم، مرتضی و خیرآبادی، غلامرضا، «شاخص‌های خانواده کارآمد بر اساس مبانی علم و دین»، در تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
۴. جوکار، محبوبه، «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر»، فصلنامه تخصصی طهورا، قم، موسسه آموزش عالی بنت الهدی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۸۹ش.
۵. صمیم، رضا، «مطالعه‌ای در باب تحصیلات و سبک زندگی (مطالعه موردی شهر تهران)»، در فصلنامه موسیقی ماهور، شماره ۳۵، سال نهم، ۱۳۸۶ش.
۶. فوکویاما، فرانسیس، «فرهنگ رفاه» در نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴ش.
۷. گاستافسون، اندور، ترجمه محمدحسین نوروزی، «حمایت از کل‌گرایی اخلاقی، پاسخی به رویکردهای دینی در اخلاق کسب و کار در کتاب درآمدی بر اخلاق کسب و کار در محیط جهانی، تدوین محمد نهاوندیان، تهران، مرکز مطالعات جهانی شدن، ۱۳۸۵ش.

1. Bryson, A. (1996), "Anything but heavy metal, symbolic exclusion & musical dislikes", In American Sociological Review, Vol. 61, No.5
2. Cockerham, W., Abel T. (1997), "Conceptualizing contemporary healthy lifestyle: moving beyond beyond
3. Lomax, A. et al, (1968). Folk song style and culture, Washington D.c: American for the advancement of science.
5. [www.sagepub.com](http://www.sagepub.com).
6. Turner, B. and Edmund, J. (2002), "The distance of taste: Bourdieu cultural capital and postwar
7. Williams, S. (1993), "Theorizing class, health, lifestyles", Sociology of health & illness. No. 17.